

ابعاد فردی اجتماعی نماز در سبک زندگی اسلامی

راضیه علی اکبری

دکتری تخصصی و مدرس دانشگاه. Aliakbari.qom@gmail.com

چکیده

مدرنیسم، جریان اصلی تحولات دنیای امروز، کهبه جوامع اسلامی نیز راه یافته، به دنبال اینست که تحت عنوان دلفریب تجدد، مبانی سبک زندگی غربی را جایگزین اعتقادات بنیادی مسلمانان کرده و سبب فراموشی سرچشمه های باوری که اساس حیات متعالی مسلمانان بر آنها نهاده شده، گردد. برای مقابله با این جریان، رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی با مطرح نمودن بحث تئوریک، انتقادی و دقیق «سبک زندگی اسلامی» به تقویت این سبک در جامعه اسلامی، از راه تحکیم «ایمان» تأکید ویژه دارند. ایمان در آموزه های اسلامی با «عمل صالح» پیوندی ناگسستنی دارند و بارزترین مصداق آن «برپایی نماز» می باشد. این اظهار بندگی و عبودیت نسبت به خداوند، شاخص و معیار سبک زندگی اسلامی است که تنها یک تکلیف عبادی محض نبوده، و آن گاه که با سامان زندگی اجتماعی در هم بیامیزد، معجزه اسلام را در آرایش منظومه احکام عبادی آشکار می سازد. معجزه ای که پژوهش حاضر - بنا به رسالت خود در تبیین سخنان رهبر معظم انقلاب و تبدیل آن به گفتمان عمومی جامعه - سعی دارد به روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی برجسته ترین ابعاد فردی اجتماعی آن در سبک زندگی اسلامی بپردازد. مطالعات و تحقیقات به عمل آمده گویای این مطلب است که نماز با سه مبنای «خدا محور، جهان بینی الهی و جمع گرایی» متمایز کننده سبک زندگی اسلامی از سبک غربی استو با زتاب فردی اجتماعی وسیعی در سبک زندگی نماز گزار دارد، از جمله مهمترین این ابعاد عبارتند از: «اخلاق محوری، ایمن سازی، حرمت گذاری، بخشندگی و وحدت بخشی» که پژوهش پیش رو، هر یک را مورد تحلیل و واکاوی قرار داده است.

واژگان کلیدی: نماز، سبک زندگی اسلامی، اخلاق محوری، ایمن سازی، بخشندگی، وحدت بخشی.

مقدمه

یکی از مهمترین چالش‌هایی که ادیان در جهان معاصر با آن دست و پنجه نرم می‌کنند تعامل با تحولات سریع فرهنگی - اجتماعی، بخصوص نوگرایی و تمدن است. ادیان مختلف همواره با این پرسش مواجه اند که در دنیای به شدت متحول امروز، آیا همچنان می‌توانند انتظارات پیروان خود را برآورده سازند؟ اولین قدم در پاسخگویی به این پرسش، بررسی نقش و میزان کاربرد دین در فرآیند زندگی بشر است. در این میان، برخی حساب دین را از زندگی جدا کرده و در پی یک زندگی سکولار لیبرالیستیو التقاطی رفتند. اما غافل از اینکه زندگی بدون اعتقاد، همان زندگی حیوانی است و هر چقدر افراد قدرتمند شوند سعیت و درندگی بیشتری می‌یابند. نمونه عملی آن عملکرد نظام سلطه و استکبار در سطح جهان است. آنها با قدرت پوشالی خود بدنبال چپاول بیشتر ملت‌ها و کشتار وحشیانه‌ها به اسم آزادی و حقوق بشر هستند. این تناقض در رفتار و گفتار غرب، ناشی از بی اعتقادی به منبع عظیم وحی الهی و رسالت پیامبران است.

در نقطه مقابل این نوع زندگی، سبک زندگی اسلامی قرار دارد. دین اسلام تنها دینی است که مدعی پاسخگویی تمام نیازهای انسان در همه اعصار است. خاستگاه اصلی فرهنگ زندگی اسلامی، اعتقاد و ایمان است و در سیر تحولات جهان معاصر، بعد نخست رسیدن به تمدن نوین از دیدگاه اسلام، تحکیم مبانی اعتقادیو معرفت دینی است که اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی افراد از آن سرچشمه می‌گیرد. گرچه سبک زندگی اسلامی بیشتر به جنبه عینی و رفتاری می‌پردازد، اما نقش اصلی را مبانی اعتقادی و باورهای دینی ایفا می‌کند، چرا که نمی‌توان هیچ رفتاری را با قطع نظر از انگیزه‌ها، نیت‌ها و مبانی معرفت شناختی فرد به اسلامی یا غیر اسلامی بودن متصف ساخت. بنابراین می‌توان گفت موضوع اصلی سبک زندگی اسلامی، ایمانو مبانی معرفتی دین مبین اسلام است که گرایش‌ها، باورها و رفتارهای فردی اجتماعی انسان از آن نشأت می‌گیرد.

از اینجا تفاوت مبنایسبک اسلامیو غیراسلامی به دست می آید؛سبک زندگی در فرهنگ اسلامی برگرفته از اندیشه توحیدی است و نظام عملی زندگی نیز مبتنی بر شریعت، سیره و سنت ائمه اطهار-ع- می باشد، اما در سبک غیراسلامی، فرهنگ زندگی برگرفته از نظریه های اجتماعی و نظام عملی فرد در جامعه است.اصولا سبک زندگی قرآنی،انضباط رفتاری ای است که تحت آرمان عالی «عبودیت» قرار دارد. کسی که عبودیت و بندگی را مقصد حیات خود می بیند نمی تواند نسبت به طریقه ی زندگی خود بی تفاوت باشد. بلکه همه شئون زندگی خود را از مسائل فردی گرفته تا مسائل سیاسی اجتماعی اقتصادی در مسیر بندگی قرار می دهد، به گونه ایکه همه زندگی را صبغه الهی می بخشد. بهترین طریقه بندگی، انجام عملی است که خدا آن را بهترین مصداق بندگی می داند و آن عمل منحصر به فرد «نماز» است. در حقیقت سبک زندگی، نماد و شاخصه ای برای شناسایی دارد. معیار سبک زندگی اسلامی، نماز است، در قرآن کریم، آیات بسیاری امر به نماز دارد و در آیات دیگری نیز بیان می دارد که نمازگزار بودن، تنها لحظه ای ارتباط با خداوند نیست و این ارتباط باید در دیگر شئون زندگی انسان جریان داشته باشد.

ارشاد هوشمندانه رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی به موضوع «سبک زندگی»، برای تطبیق نمادها با مبانی سبک زندگی صورت گرفته است؛ و تنها در این صورت است که زندگی افراد با اعتقاداتشان همسو می شود. معظم له معتقدند سبک زندگی به همه مسائلی بر می گردد که متن زندگی انسان را شکل می دهد و متن زندگی متأثر از تفسیر افراد از زندگی است و هر هدفی برای زندگی تعیین شود، سبک خاصی را به همراه می آورد. از اینرو شاه بیت «سبک زندگی اسلامی» معارف و آموزه های دین اسلام است که دارای منظومه ای به هم پیوسته بوده و مسلمان حقیقی آن است که به مجموعه این منظومه عمل کند؛ نه اینکه به بعضی اعتقاد داشته و آن را انجام دهد و دیگر مسائل را رها کند.

در میان تعالیم اسلامی، «نماز» جهت دهنده ی سبک زندگی بوده و ابعاد فردی و اجتماعی بی شماری به همراه دارد و ازینرو معیار روشن سبک زندگی اسلامی است و در فرهنگ اسلام از جایگاهی والا برخوردار می باشد؛ به گونه ای که قبولی همه اعمال در درگاه حضرت الوهیت وابسته و مشروط به قبولی نماز گردیده است: «ان قُبِلَتْ قُبِلَ مَسَواها» (کلینی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۲۶۸) در قرآن کریم نیز اشارات بسیاری به نماز و سبک زندگی نمازگزار شده است؛ سوره «معارج» در قالب بیان صفات مصلین، سبک خاص زندگی نمازگزار را بیان می دارد که مداومت بر نماز، یاد خداوند در زندگی، مراقبت از آن، توجه به فقرای جامعه، توجه به روز قیامت و عذاب خداوند، پاکدامنی در زندگی، پایداری بر امانت ها و تعهدهایی که به دیگران داده از جمله مهمترین آنهاست. بر این اساس، سبک زندگی نمازگزار تنها خواندن نماز در اوقات آن نیست؛ بلکه باید آثار و ابعاد نماز را در سرتاسر زندگی جریان دهد.

۱) **تبیین موضوع:** مسئله ای که مقاله حاضر در پی تبیین آن می باشد «ابعاد فردی اجتماعی نماز در سبک زندگی اسلامی» است. بی تردید به شمار آدمیان، سبک های متنوعی برای زندگی وجود دارد. زیرا هر انسانی به اقتضای فرهنگ، باور، بینش و برداشت های خود از هستی، سبک و روش خاصی در زندگی دارد. اما سبک زندگی یک انسان اهل نماز با انسان هایی که هیچ تقیدی به دین و مناسک آن ندارند، کاملاً متفاوت است. چرا که مبنای سبک زندگی نمازگزار بر اساس خدامحوری بوده و او با یک جهان بینی الهی زندگی می کند. سبک زندگی اهالی نماز، از فردگرایی غربی دور بوده و حول محور جمع گرایی است. از همین روست که اسلام در انجام فرایض دینی، بر عبادات جمعی توصیه دارد. برگزاری نماز بصورت اجتماعی، علاوه بر آثار فردی، ابعاد اجتماعی بابرکتی بر فرد و اجتماع می گذارد، از جمله: حرمت گذاری، بخشندگی و وحدت بخشی.

۲) **ضرورت تحقیق:** امروزه تنوعات فرهنگی و بالارفتن میزان تسامح و تساهل در جامعه، که می توان از آن به کثرت گرایی تعبیر کرد، و همچنین تبلیغات سبک های مختلف زندگی از

سوی رسانه های جمعی، پرداختن به سبک زندگی را به یک ضرورت تبدیل کرده است. از اینرو جوامع انسانی همواره دغدغه انتخاب بهترین سبک زندگی را دارند، و هر فردی به حسب مقاصد دنیوی یا معنوی خود، به انتخاب سبک زندگی اقدام می نماید و از سوی دیگر به جهت آثار شگرف نوع سبک زندگی در تعالی و سقوط انسان ها و ملت ها، فرق انحرافی و در بُعد کلان: استکبار جهانی با هدف استعمار و استثمار ملت ها به ویژه ملت های مسلمان بالاخص ایرانیان، سعی در تحمیل و ترویج الگوی سبک زندگی سکولار و ملحدانه و مبتذل در جامعه اسلامی دارند؛ به این جهت اخیرا این موضوع، دغدغه مقام معظم رهبری مدظله العالی شده و ایشان در سخنان خود (مورخ ۹۲/۷/۲۳) تأکید بسیاری بر ترویج سبک زندگی اسلامی بر مبنای آموزه های اسلامینموده اند. مهمترین آموزه اسلام در زندگی مسلمانان برپایی «نماز» است که در جهت دهی سبک زندگی نقش عمده ای دارد؛ با بیان این ضرورت، مجموعه حاضر در پی بررسی ابعاد فردی و اجتماعی نماز در سبک زندگی اسلامی است.

۳) پیشینه پژوهش: در طول تاریخ فرهنگ انسانی، در حوزه های مختلف دین، فلسفه، اخلاق و علوم جدیدی چون روانشناسی و علوم اجتماعی و... همواره چستی سعادت، زندگی برتر و شیوه های رسیدن بدان، مورد توجه و بحث بوده است. در مسیر دستیابی به این هدف، ابتدا مفهومی به نام «آداب و روش زندگی» و اخیرا اصطلاح خاص «سبک زندگی» به وجود آمد که از جمله مفاهیم مدرن برآمده از اندیشه ورزی چند دهه اخیر است. البته بیشتر منابع مستقل پیرامون این اصطلاح مدرن، نوشته روشنفکران غربی است. اما پیش از این علمای شیعه، به مباحث آداب زندگی پرداخته اند؛ از جمله علامه مجلسی با نگارش «حلیه المتقین»، مرحوم شیخ حر عاملی صاحب «وسائل الشیعه» با تألیف «احکام الشریعه»، آیت الله جوادی آملی با اثر جدید و کاربردی «مفتاح الحیاه» به این امر مهم همت گماردند. اما کتاب، مقاله یا اثری که به صورت مستقل و کاربردی به بررسی «ابعاد فردی اجتماعی نماز در سبک زندگی اسلامی»

پردازد یافت نشد، بنابراین به جهت اهمیت موضوع و عدم وجود منبعی مستقل و مستدل، نگارنده به این امر اهتمام ورزیده است.

۴) **سؤالات تحقیق:** سؤال اصلی: «ابعاد فردی و اجتماعی نماز در سبک زندگی اسلامی کدام است؟» سؤالات فرعی: سبک زندگی اسلامی به چه معناست؟ نماز چه جایگاهی در سبک زندگی اسلامی دارد؟ محور و اساس سبک زندگی نمازگزار چیست؟ کدام مبانی در نماز، وجه تمایز سبک زندگی اسلامی از غربی است؟ مهمترین ابعاد فردی نماز در سبک زندگی چیست؟ بارزترین ابعاد اجتماعی نماز در سبک زندگی کدام است؟

۵) **اهداف تحقیق:** ۱. «بررسی ابعاد فردی و اجتماعی نماز در سبک زندگی اسلامی؛ ۲. ترویج و گسترش برجسته ترین شاخصه سبک زندگی اسلامی با بهره گیری از آیات و روایات؛ ۳. تقویت آموزه ی اسلامی «نماز» در سطح زندگی جامعه اسلامی؛ ۴. شناسایی جایگاه نماز در سبک زندگی اسلامی.

۶) **روش تحقیق:** روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق کتابخانه‌ای و اسنادی است و کتب و مقالات چاپ شده به زبان‌های فارسی و عربی مورد استفاده قرار گرفته و سپس با توجه به تأثیر آن در شئون مختلف سبک زندگی، به تجزیه و تحلیل آثار و کارکردهای فردی و اجتماعی آن پرداخته شده و به نتیجه مورد نظر پژوهش رسیده است.

۷) **تعریف مهمترین واژگان کلیدی:**

الف. نماز: در عربی لفظ «صلاه» بر آن اطلاق می شود، به گفته بسیاری از لغت شناسان به معنای تبریک و تمجید است و چون اصل و ریشه این عبادت مخصوص، دعا بوده آن را از باب نام گذاری چیزی به اسم جزءش، صلاه [نماز] گذاشته اند و بعضی گفته اند «صلاه» مشتق از کلمه «صلاه» است که به معنای آتش برافروخته است و از این جهت به این عبادت خاص «صلاه» گفته شد، زیرا کسی که نماز بخواند، خود را به وسیله این عبادت و بندگی از آتش برافروخته الهی دور می سازد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۸۵ و

مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۳۱۹). در لغت فارسی، نماز به معنای تعظیم، نیایش، سر فرود آوردن و سجده کردن (تویسرکانی، ۱۳۶۲، ص ۳۴۴) آمده که به تدریج به معنای عبادت و پرستش خداوند متعال یا همان «صلاه» عبادت ویژه مسلمین اطلاق شده است. نماز در فروع دین اسلام جایگاه ویژه ای دارد و پس از مسئله ولایت از همه مهم تر است. چرا که بهترین وسیله برای قرب به پروردگار متعال می باشد؛ چنان که امام صادق (ع) در مورد محبوب ترین چیزی که سبب می شود بندگان به وسیله آن به خدا نزدیک شوند، فرمود: «ما اعلم شیئا بعد المعرفه افضل من هذه الصلاه: بعد از شناخت خدا، چیزی را از این نماز برتر نمی دانم» (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۶).

ب. سبک زندگی^{۲۷}: این واژه برای توصیف شرایط زندگی انسان استفاده می شود، که ترکیبی است از دو واژه سبک و زندگی است. «سبک» در لغت به معنی هماهنگی کامل میان الفاظ و اندیشه، و «زندگی» به معنای حیات (محبوب، ۱۳۷۶، ص ۱۳)، و نیز به معنای سیمای فکر انسان و راهی مطمئن برای شناخت خلق و خوی انسان (زرین کوب، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۶۷۸) و همچنین به معنی روش نوعی زندگی فرد و یا شیوه زندگی، که منعکس کننده ی گرایش ها و ارزش های یک فرد یا گروه است، می باشد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۵۱). سبک زندگی در اصطلاح عبارتند از: «ارزش ها و رسم های مشترکی که به گروه احساس هویت جمعی می - بخشد» (توسلی، ۱۳۷۳، ص ۶۲). برخی قائلند که سبک زندگی استقرار معیارهای هویتی را در چارچوب زمان و مکان ممکن می سازد. (فاضلی، ۱۳۸۲، ص ۶۳) و در بیشتر مواقع افراد یک جامعه سبک زندگی مشترک دارند و سبک زندگی بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش های اشخاص در هر جامعه دلالت دارد و مبین اغراض، نیت، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره و زندگی روزانه است. (رضوی زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

^{۲۷}.Life Style

همچنین سبک زندگی را می توان به نگرش های هنجاری مرتبط با مصرف تعریف نمود. به عبارتی، فرهنگ مصرف جامعه نشأت گرفته از ارزش، سلیقه و باورهای افراد است. (خادمیان، ۱۳۸۷، ص ۱۳). به همین علت محققان برای بررسی سبک های مختلف زندگی به شاخص سازی در زمینه مصرف مادی، فرهنگی و نحوه گذران اوقات فراغت مبادرت می ورزند (چاووشیان، ۱۳۸۱، ص ۴۵). طبق این تقسیم بندی می توان به دو نوع سبک زندگی اسلامی و غیر اسلامی (غربی) اشاره نمود. بر اساس این تقسیم بندی، سبک زندگی ارتباط وثیقی با مفهوم هویت می یابد و باعث می شود دو هویت جداگانه بر اساس غالب بودن هر کدام از مؤلفه های هویت ساز شکل بگیرد. هویتی که بر خواسته از ارزش ها و باورهای مذهبی و دینی می باشد و یا هویتی که در سبک زندگی غربی متجلی می شود و منتج از قبول الگوها و ارزش های غربی درباره نحوه پوشش، خوراک، کار و فراغت می باشد.

سبک زندگی اسلامی دو اصل دارد: «بینش اسلامی و منش اسلامی». بینش، همان مبانی اعتقادی و باورهای اسلامی سبک زندگی را تشکیل می دهد و منش دو بعد مبانی اخلاقی و ارزش های اسلامی و حقوقی را شامل می شوند که این دو با هم به اعمال و رفتار مسلمانان معنا می بخشد. در این صورت هسته مرکزی سبک اسلامی را توحید و خداابوری تشکیل می دهد که شالوده دین اسلام است و با سایر اعتقادات اسلامی زنجیره ای از آداب را پدید می آورد که خود بُعدی از هستی اجتماعی می شود. مفهوم اسلامی بودن، انعکاس «مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان ها لازم است» (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ص ۹۳).

قرآن کریم سبک زندگی ایده آل اسلامی را با عنوان «حیات طیبه» مطرح می کند: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هر کس، از مرد یا زن، کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیات می بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند، پاداش خواهیم

داد» (نحل/۹۷). حیات طیبه، پیراسته از هر ناپسندی و بدیاست؛ چرا که در محضر او و در مقام قرب خداوندی، که هدف عالی زندگی است جایی برای این امور نیست. (طبرسی، ۱۳۳۳، ج ۷، ص ۷۳۴-۷۳۵). حیات طیبه را عبادت همراه با روزی حلال و توفیق بر اطاعت فرمان خدا تفسیر کرده اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹، ج ۱۱، ص ۳۹۴). از دیدگاه علامه طباطبایی، آیه شریفه دلالت دارد که خداوند سبحان، انسان با ایمانی را که عمل شایسته انجام می دهد با زندگی جدیدی که غیر از زندگی معمول مردم است، اکرام می کند و آثار زندگی حقیقی که همان علم و قدرت است با این زندگی برایش همراه است و این قدرت باعث می گردد چنین فرد مؤمنی، امور را چنان که هستند ببیند؛ سپس با قلبش از امور باطل که در معرض فنا و همان زندگی دنیوی است روی گردان شود و چون از بند این تعلقات دنیوی رها شد، شیطان نمی تواند او را ذلیل خود سازد و در بند خود گرفتار آرد. (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۱۲، ذیل آیه ۹۷ نحل).

بخش اول: نماز، شاخص و معیار سبک زندگی اسلامی

توحید و خدامحوری مبنا و اساس سبک زندگی اسلامی است. سبک زندگی بستر ساز «عبودیت الهی» در حیات انسانی است و اعمال و رفتار انسان بر هیأت توحید قرار گیرد. با این بیان، توحید صرف یک اعتقاد نیست؛ بلکه یک سبک برای زندگی انسان هاست و خدا را در زندگی خود حاکم دانستن و دست قدرت های گوناگون را کوتاه کردن است. (طباطبایی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۲۵۸). چنانچه اگر اعتقاد به توحید وجود داشته باشد اما در عمل، التزام به آن نباشد، رسم بندگی ادا نشده است و به تعبیر شهید مطهری انسان گرفتار نوعی ماتریالیسم اخلاقی و شرک عملی است. یعنی عمل موحدانه نیست و فاصله بین اعتقاد و عمل زیاد است (مطهری، ۱۳۷۵، ج ۱۵، ص ۳۵۳). عملیاز اعتقاد توحیدی سرچشمه گرفته و بهترین نمود التزام به دین اسلام برای رسیدن به عالی ترین هدف هستی می باشد «نماز»

است. هدفی که عامل و جهت دهنده حرکت افراد در زندگی است (جعفری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۸۰). هدف نهایی خلقت انسان از دیدگاه قرآن «تقرب به خداوند» است (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۳۳) و اینکه قرآن، عبادت را به عنوان هدف خلقت بیان می‌کند (ذاریات/۵۶)، از آن جهت است که عبادت رابطه انسان را با خدا محکم ساخته، زندگی او را خدامحور می‌سازد و چنین زندگی موجب تقرب انسان به خدا می‌شود. بنابراین انسان برای دستیابی به هدف متعالی زندگی و تقرب الهی، باید به نماز پایبند باشد.

از آنجا که «نماز» شاخص و معیار سبک زندگی اسلامی است، وجهتمایز آن از سبک زندگی غربی نیز می‌باشد؛ چرا که بر اصولی استوار است که زندگی یک مسلمان را از بنیادهای زندگی غربی متفاوت می‌سازد. مهمترین آن مبانی عبارتند از:

۱. خدامحوری در مقابل انسان محوری^{۲۸}: توحیدگرایی و اومانسیم دو نقطه مقابل هم می‌باشند که اختلاف آن‌ها از تعیین هدف آغاز می‌شود. چنانکه گذشت، هدف نهایی زندگی اسلامی «قرب الهی» است که بنابر آموزه‌های اسلامی با اقامه نماز حاصل می‌شود. اما هدف زندگی غیر الهی منحصر است به انسان و حصول رفاه حال او (آریلاستر، ۱۳۶۷، ص ۲۰۶). مهمترین ویژگی اومانسیم، انسان‌محوری است که در مقابل محوریت خداوند و فرمان‌های او قرار دارد و انسان را محور و میزان همه چیز و مرکز عالم می‌داند و لذت‌های جسمانی و هواهای نفسانی را اصل می‌شمارد (بیات، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷). در حالی که از دیدگاه قرآن کریم محوریت هستی با خداوند است: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ». اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیز داناست (حدید/ ۳). بر این اساس انسان باید بداند وجودش با خدا در ارتباط است و هستی‌اش در ید قدرت الهی است. (مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۴۴). البته خدامحوری از نظر قرآن کریم به معنی عدم توجه اسلام به انسان نیست؛ بلکه از دیدگاه قرآن همه چیز برای انسان آفریده شده (بقره/ ۲۹ و نحل/

^{۲۸}. Humanism

۱۲) تا خدا را عبادت کند(ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون: ذاریات/۵۶). بنابراین ارزش انسان به عبادت خدای تعالی است، نه بردگی شهوت و هوس و لذت از زندگی که غرب برای انسان تعیین کرده است. در جامعه اسلامی ما در بسیاری موارد ملاک ارزشگذاری و اعتماد به افراد، میزان پایبندی ایشان به نماز است و همین که دانسته شود فلان شخص، نمازخوان است، آدم باخدایی محسوب شده و مورد اعتماد واقع می شود.

۲. جهان بینی الهی در مقابل جهان بینی مادی^{۲۹}: جهان بینی الهی مبتنی بر سه اصل «مبدأ، فرجام و راهنما شناسی» است. این اصول سه گانه در واقع پاسخی است به اساسی ترین پرسش های هر انسان از مبدأ و مقصد و بهترین برنامه ی زندگی (مصباح یزدی، ۱۳۷۰، ج ۱، صص ۳۰ و ۳۱). از اینرو نماز مورد سفارش اسلام قرار دارد؛ چرا که با نماز است که نگاه انسان نمازگزار نسبت به زندگی و دین و جایگاه دنیا، واقع بینانه می گردد و زندگی دنیا برای نمازگزاران، یک پل و گذرگاهی بیش نخواهد بود برای رسیدن به حیات جاودان (و هی دار القرار: غافر/۳۹). اما در سبک زندگی غربی که بر اساس نگرش نفی خدا و قیامت از جهان هستی شکل گرفته، تمام زندگی در جهان مادی خلاصه می شود. جهانی که هیچ آفریننده ی دارای شعوری خارج از عالم ماده در آن وجود ندارد و زندگی انسان با مرگ پایان می یابد (صانعی، ۱۳۷۶، ص ۵۹ و نصری، ۱۳۷۱، ص ۵۲ و بیات، ۱۳۸۱، ص ۴۳).

۳. جمع گرایی در مقابل فرد گرایی^{۳۰}: از نظر اسلام کمال انسانیا حضور در جامعه قابل تحقق است و حاشیه نشینی به شدت نفی شده است (کلینی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۴۹۴). سبک زندگی اسلامی، بر پایه جمع گرایی استوار است، چرا که اسلام، دینی جهانی است و بیش از امور فردی بر مسائل اجتماعی تأکید دارد و بیشتر آیات قرآن نیز مربوط به نحوه تعامل و ارتباط انسان با دیگران می باشد و تأکید بسیاری نیز به انجام اجتماعی مناسک دینی وجود

^{۲۹}.Materialistic worldview

^{۳۰}.individualism

دارد؛ بر خلاف سبک زندگی غربی که با وجود اندیشه های مادی سکولاریسم و اومانیزم، فردگرایی رواج شدیدی داشته، یک ارزش تلقی می شود و محوریت سبک زندگی افراد، غریزه و امیال انسانی در برگزیدن ارزش، خلیقیات و رفتارها است و انسان، جامعه را تنها در مسیر امیال خود می خواهد (تشکری، ۱۳۸۱، ص ۸۴) و در اولویت بخشی نیازهای فردی بر نیازهای گروهی، روابط اجتماعی گرایش به خودمختاری دارد (فرانزوی، ۱۳۸۱، ص ۲۲ و احمدی، ۱۳۷۳، ص ۴۲ و گروه مؤلفان؛ ۱۳۸۵، ص ۱۹۴ و یانیدیس، ۱۳۷۸، ص ۲۵۸).

نماز یک معیار قوی برای سنجش سبک زندگی است و سبک زندگی اسلامی را با سه محور: «خدا محور، جهان بینی الهی و جمع گرایی» از دیگر سبک های زندگی متمایز می گرداند و ابعاد فردی اجتماعی گسترده ای را در زندگی انسان نمازگزار به همراه دارد که مهمترین آنها عبارتند از:

بخش دوم: ابعاد فردی نماز در سبک زندگی اسلامی

۱.۱ اخلاق محوری

سبک زندگی اسلامی، به عنوان مجموعه منش هایی که بر پایه بینشی ثابت استوار است، بن مایه هایی دارد که اخلاق - به معنی سجایا و صفات درونی ای که با چشم دل دیده می شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۰۹) - از مهمترین آن ها محسوب می شود. قرآن کریم زندگی انسان در سایه ی اخلاق را سعادتمندی داند. معلم اخلاق نیز ذات اقدس خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱۰، ص ۱۳۹) که رفتار اخلاقی را زاینده ی ایمان به توحید و معاد می شمارد.

مباحث اخلاقی قرآن را می توان به چند قسم تقسیم کرد: ۱. مسائل اخلاقی مرتبط با خالق: از قبیل شکر منعم، خضوع در مقابل خداوند، رضا و تسلیم در برابر فرمان او و ...؛ ۲. مسائل اخلاقی مرتبط با خلق: مانند: تواضع و فروتنی، ایثار، فداکاری، محبت، حسن خلق، همدردی

و... ۳. مسائل اخلاقی مرتبط با خویشتن: از جمله: پاکسازی قلب از هرگونه ناپاکی و آلودگی، مدارا با خویشتن در برابر تحمیل فشار، تهذیب روح و...؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۴). تمامی این اقسام اخلاق در نماز جمع شده است؛ بدین ترتیب که نمازگزار با آداب پیش از نماز از قبیل وضو و غسل به پاکسازی برون و درون می پردازد و در نماز با کمال ادب در محضر خالق خویش حاضر می گردد و وقتی در ارتباط و تعامل با مخلوقات قرار می گیرد، ملزم به رعایت اخلاق اسلامی است. بنابراین می توان گفت اخلاق نیکوی نمازگزار حاصل آداب و ارکان نماز می باشد. طهارت جسمی در آداب نماز، طهارت روح و در نتیجه ایجاد روحیه اخلاق محوری نمازگزار را به همراه دارد. مرتبه‌ی ظاهری وضو، شستن و مسح با آب پاک است که پلیدی‌های ظاهری انسان را مرتفع می‌سازد و باطن آن، تطهیر قلب و جان است. بنابراین وضو برای این است که اعضا و قلب آدمی در تصرف شیطان یا نفس نباشد؛ نه ظاهر آدمی گرفتار پلیدی باشد و نه باطن او. (خمینی، ۱۳۷۷، ص ۵۳).

حاج میرزا جواد تبریزی، پس از یاد کرد مفتاح بودن طهارت برای نماز می نویسد: «انسان عاقل باید در حقیقت و ثمره طهارت بیندیشد، اینکه سعادت ظاهری و باطنی او در نظافت است، چنانچه خداوند می فرماید: «ما یریدالله لیجعل علیکم من حرج ولکن یرید لیطهرکم؛ خداوند (با قانون گذاری وضو، غسل و تیمم) نمی خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند، بلکه می خواهد شما را پاک سازد» (توبه / ۱۰۸) (ملکی تبریزی، ۱۳۷۲، ص ۱۰). بنابراین در وضو (یا غسل) که در اسلام به عنوان طهور و کلید و مقدمه نماز مطرح است، باید علاوه بر نظافت ظاهری بدن، به طهارت باطن نیز توجه داشت و با چنین زمینه سازی برای نماز آماده شد، که قطعاً رعایت این آداب با چنین کیفیتی، نقش مؤثری در پاکسازی و بهسازی روح و روان و ظاهر و باطن از آلودگی ها خواهد داشت.

مهمترین نکته کلیدی اخلاق محوری در ارکان نماز، اینست که: از آنجا که همیشه همه رذایل اخلاقی و علت سرپیچی از فرامین الهی «تکبر و منیت انسان» است و خداوند در قرآن علت

سربپیچی شیطان را خودبرتربنداری و خودبزرگبینی بیان می‌کند (ابی و استکبر)؛ نماز، عبادتی است که این معضل اخلاقی را از وجود نمازگزار پاک می‌گرداند. چرا که نمازگزار در هر شبانه روز در هفده رکعت، دو بار در برابر خداوند پیشانی بر خاک می‌گذارد، خود را ذره‌ی کوچکی در برابر عظمت او می‌بیند و غرور و خود خواهی را کنار زده، تکبر و برتری جویی را در هم می‌کوبد؛ به همین دلیل امام علی - علیه السلام - فلسفه نماز را با همین هدف تبیین کرده می‌فرماید: «فرض الله الصلوة تنزيهاً عن الكبر: خداوند نماز را برای پاکسازی از کبر واجب کرده است» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۵۲). البته رکوع و سجود در ظاهر: «تواضع تن» است، اما مقصود اصلی «تواضع دل» می‌باشد. صورت بر زمین نهادن، تواضع عزیزترین اعضا بر خاک است که خوارترین چیزها است؛ تا انسان بداند که اصل و مرجع وی از خاک است (غزالی، ۱۳۸۳، ج ۱، صص ۱۴۵-۱۴۲). اینگونه است که نماز ریشه رذایل اخلاقی را می‌سوزاند.

۲.۱.۲. ایمن سازی

الف. ایمن سازی درونی: «بازداری از خطا»

جایگاه نماز در سبک زندگی اسلامی، زمانی آشکار می‌شود که زندگی انسان نمازگزار با اعمال و رفتارش ساخته شده، پاکي و تقوا در روحش پدیدار آید؛ زیرا آداب نماز، انسان را به اموری چون خویشتن داری و تسلط بر نفس، و زدودن گناهان و پالایش روح از آلودگی های اخلاقی و امور دیگری که لازمه کمال انسانی است، سوق می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۳۹). چنانچه خداوند فرموده است: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ: به راستی که نماز انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد» (عنکبوت / ۴۵). طبیعت نماز از آنجا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد، دارای اثر ایمن سازی و بازدارندگی از خطا است؛ اما هر نمازی به همان اندازه که از شرایط کمال و روح عبادت

برخوردار است، انسان را در مقابل خطا (فحشاء و منکر) ایمن می سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹، ذیل آیه).

ایمن سازی درونینماز از خطا در زندگی، بدان روست که نماز عملی عبادی است و صفتی در روح آدمی پدید می آورد و انسان را از فحشاء و منکرات باز می دارد، و در نتیجه جان و دلش را از قذارت گناهان و آلودگی های برآمده از اعمال زشت، پاک می نماید. این بُعد از نماز، مغز و محتوای اصلی نماز و نشان قبولی اعمال و عبادات است. همانگونه که هسته بی مغز، رشد نمی کند و ثمر نمی دهد، نماز بدون ایمن سازی از خطا، همانا عبادتی بی محتواست. امام صادق (ع) در بیان این نشانه می فرماید: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ أَقْبَلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ فَيَقْدِرُ مَا مَنَعَتْهُ قُبِلَتْ مِنْهُ: هر کس دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه، ببیند که آیا نمازش او را از گناه و زشتی باز داشته یا نه؟ پس به هر قدر که نمازش او را از گناه باز داشته، به همان اندازه نمازش قبول شده است.» (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ ج ۷۹، ص ۱۹۸ و طبرسی، ۱۳۳۳، ج ۸، ص ۲۸۵) بنابراین نماز به کمال نمی رسد، جز برای نمازگزاری که دارای طهارتی همه جانبه و تمامیتی رسا باشد؛ نه دیگران را اغوا کند و نه خود از حق منحرف گردد. پس چون چنین نمازی به جای آورد، این همان نمازی است که از فحشا و منکر باز می دارد (عزیزی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۶۲).

در مجمع البیان انس بن مالک از رسول خدا (ص) روایت کرده که فرمود: «کسی که نمازش او را از فحشاء و منکر باز ندارد، جز دورتر شدن از خدا، برایش اثری ندارد.» (طبرسی، ۱۳۳۳، ج ۸، ص ۲۸۵). همچنین فرموده: «لا صلوة لمن لم يطع الصلوة و طاعة الصلوة ان تنتهي عن الفحشاء و المنکر: نماز نیست نماز کسی که نماز خود را اطاعت نمی کند و اطاعت نماز این است که از فحشاء و منکر دست بردارد.» (طبرسی، ۱۳۳۳، ج ۸، ص ۲۸۹). امام خمینی (ره) پیرامون نماز و تأثیر آن در اصلاح جامعه و جلوگیری از تخلفات و بزهکاری و مفاسد اجتماعی فرمود: «در اسلام، هیچ فریضه ای بالاتر از نماز نیست. نماز پشتوانه ملت و کارخانه

انسان سازی است، نماز خوب، فحشا و منکر را از یک امتی بیرون می‌کند. این‌هایی که در این مراکز فساد کشیده شدند، اینها هم بی‌نمازها هستند، نمازخوان‌ها تو مساجدند و مهیابند برای خدمت، مسجدها را خالی نکنید». (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۲۸۹) نتیجه اینکه اگر نماز نمازگزار حقیقی باشد، باید در بُعد فردی سبک زندگی او مؤثر بوده و او را در مقابل خطاها ایمن سازد.

ب. ایمن سازی برونی: «عزت نفس»

بُعد فردی دیگر نماز در سبک زندگی نمازگزار اینست که نماز برای او تأثیر ایمن سازی برونی هم دارد؛ بدین معنا که او را در مقابل درخواست از دیگران و ذلت و بندگی غیر خدا ایمن می‌سازد؛ چرا که وقتی آدمی با خدا سخن می‌گوید و از او استعانت می‌جوید (ایاک نعبد و ایاک نستعین) توان بیشتری را در خود احساس می‌کند که ناشی از اتکای به خدای تعالی است و داشتن چنین نقطه اتکایی باعث افزایش اعتماد به نفس در فرد می‌گردد و روح سازش ناپذیری با طاغوتها و گمراهان زمان در او تقویت شده و می‌آموزد: سری که در مقابل چنین عظمتی به سجده درآمد در مقابل کسان و چیزهای دیگر که کوچکتر از آنند هرگز خم نمی‌گردد و این معنای عزت و کرامت نفس است. در حقیقت انسان نمازگزار تسلیم قضای پروردگار است و تنها به او امید دارد و از او کمک می‌طلبد، از این رو، در زندگی صبور و قانع است و احساس خشنودی می‌کند. چرا که با گفتن «ایاک نعبد و ایاک نستعین» هرگونه حاکمیت غیر خدا را محکوم کرده، هرگونه حقارت پذیری و استمداد از قدرت‌های پوشالی را نفی می‌نماید و به نمازگزاران، درس عزت در سایه بندگی خدا می‌دهد، تا بنده و برده غیر خدا نشوند و از تهدیدها و تطمیع‌های دیگران، نلغزند و راه خدا را کنار نگذارند» (قرائتی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۰).

در واقع یکی از مهم‌ترین عواملی که تحت تأثیر معنویات و باورهای مذهبی از جمله نماز قرار می‌گیرد، عزت نفس است (جوان‌بخت، ۱۳۸۸، ص ۲۶۸). عزت نفس ارزشی است که

خصوصیات و صفات روانی خودپنداره برای فرد دارد و از اعتقادات فرد در مورد تمام چیزهایی که در او وجود دارد، ناشی می‌شود (باقرزاده، ۱۳۸۴، ص ۴۲) و به معنای پذیرش و ارزشمندی ای است که شخص در مورد خویشتن احساس می‌کند. شخصی که عزت نفس دارد خود را به گونه مثبتی ارزیابی نموده و برخورد مناسبی با خود و دیگران دارد (انصاری جابری، بی تا، ص ۶۳ و ۶۴). چرا که عزت نفس، اعتماد فرد به توانایی‌های خود در اندیشیدن و توانایی کنار آمدن با چالش‌های زندگی است (گیج، ۱۳۷۴، ص ۲۴۵). عزت نفس از دو بخش تشکیل می‌شود: یکی، داشتن احساس اطمینان و باور خودتوانمندی، و دیگری احساس داشتن صلاحیت برای خوشبخت شدن، احترام به خود یا حرمت نفس (براندن، ۱۳۸۵، ص ۵۱).

با این اوصاف، عزت نفس، خود عزیز داشتن در برابر مردم است، به سبب طمع و حرص نورزیدن به اموال و دارایی‌های آنها. مثلاً کسی که برای هرکار ریز و درشتی به مردم مراجعه نمی‌کند و دست به دامن آن‌ها نشده، به آن چه که خود دارد قانع است، مردم او را فردی غنی و بی‌نیاز از خود می‌پندارند و او را عزیز می‌دارند، چرا که او خود را نزد مردم عزیز داشته است. بنابراین عزت نفس روحیه بی‌نیازی و یأس نسبت به مردم است. از آنچه گفته شد بدست آمد که ارزشمندترین گوهر وجود آدمی، احساس کرامت و عزت نفس است و اصل و اساس خلقت آدمی، بر مبنای فرموده الهی «و لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء / ۷۰)، این چنین تدبیر گردیده که انسانها، جایگاه واقعی خویش را بیابند و آن را به رایگان از کف ندهند (شرفی، ۱۳۸۰، ص ۳). نماز با آنکه احساس تواضع و فروتنی را در انسان برمی‌انگیزد اما به هیچ وجه به نمازگزار اجازه نمی‌دهد در خود احساس ذلت یا فرومایگی داشته باشد، چرا که انسان را به قدرت لایزال الهی متصل می‌گرداند و از این جهت در انسان احساس قدرت و عزت را برمی‌انگیزد.

از سوی دیگر، نمازگزار خود را بسان قطره‌ای می‌داند که با دریا پیوند خورده است و این باعث افزایش موفقیت‌های او در زندگی می‌شود. زیرا نماز، نقش مدرسانی دارد چنان که قرآن می‌فرماید: «و استعینوا بالصبر و الصلاه: از نماز و روزه کمک بجوید» (بقره/۴۵). انسان برخوردار از امدادهای ناشی از اقامه نماز، فردی موفق است و موفقیت‌های روز افزون، اعتماد به نفس و افزایش عزت‌او را در پی دارد و نماز گزاران پیوسته امیدوار به امدادهای الهی هستند. حصر استعانت در خداوند ایجاب می‌کند که انسان نه از غیر خدا مدد بجوید و نه خود را معین و مددکار کسی بپندارد؛ زیرا تنها خدا مستعان است: «و الله مستعان (یوسف/ ۱۸)».

بخش سوم: ابعاد اجتماعی نماز در سبک زندگی اسلامی

انسان یک موجود اجتماعی است و اسلام اهمیت ویژه‌ای به روابط فرد با اجتماع داده است. از این دیدگاه انسان موجودی مسئول است که باید در همه ابعاد زندگی، مسائل انسانی را در جهت تثبیت جایگاه خلیفه الهی خود، رعایت کند. شخصیت انسان در جامعه شکل می‌گیرد و هویت واقعی‌اش در اجتماع ظهور و بروز می‌یابد. اسلام، دینی است که نه تنها به اجتماع انسانی اهتمام دارد، بلکه بهترین شکل جامعه و متمدن‌ترین صورت آن را معرفی می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۱۸-۲۵). همچنانکه به پابندی بر جماعت با ذکر فواید آن پرداخته تا راهی برای سهل‌انگاری و تأویل باقی نماند: «و تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ: و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید» (مائده / ۲)؛ و آیات دیگری نیز به این مهم اشاره دارند (آل عمران/ ۱۰۳ و ۱۰۵؛ انفال/ ۴۶).

اسلام راه بردهای لازم را به منظور رشد و شکوفایی جمع‌گرایی ارائه داده، که مهمترین آن انجام مناسک دینی به صورت جمعی است، که بارزترین نمونه آن برگزاری نماز جمعه و

جماعت است. برگزاری اجتماعی این مناسک آثار بسیاری به دنبال دارد که احترام به حقوق افراد، بخشندگی و وحدت بخشی مهمترین ابعاد اجتماعی آن می باشد.

۱. حرمت گذاری

نوع سبک زندگی افراد، تعامل ایشان با دیگران و به خصوص خانواده را تعیین می کند. در سبک زندگی غربی، خانواده هیچ جایگاهی ندارد و تنها موضوع با اهمیت، لذت گرایی افراد است که لازمه رسیدن به این هدف نیز آزادی از هر قید و بندی است؛ در مقابل، در سبک زندگی اسلامی، حقوق افراد جایگاه والایی دارد که حرمت گذاری به این حقوق، از خانواده شروع می شود و به اجتماع ختم می شود. در اسلام در مورد حرمت گذاری به مقام والای پدر و مادر تأکیدات بسیاری شده است. در آیاتی از قرآن کریم تصریح و تأکید شده که به پدر و مادر احسان و نیکی نموده و آنها را از خود نرنجانید. در پنج آیه از آیات قرآن کریم به این نکته اشاره شده است که در چهار آیه احسان به والدین را در کنار شرک نورزیدن به خداوند آورده است. شاید جهت آن این باشد که اهانت و بی احترامی فرزند نسبت به پدر و مادر نوعی شرک به خدا محسوب گردد. در یکی از این آیات، توحید به ذات ربوبی (عدم شرک به خداوند) احسان و نیکی به والدین و اقامه نماز جزء پیمانها و عهدهایی است که خداوند از بندگانش گرفته است. در این آیه خداوند خطاب به مسلمانان می فرماید ما این میثاق را از بنی اسرائیل گرفتیم ولی آنان عهد شکنی نمودند و نتیجه پیمان شکنی خود را دیدند پس شما سعی کنید که مثل آنان نباشید: «وَأَذِّبْنَا مِثْقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ» (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و نسبت به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینوایان نیکی کنید و با مردم به خوبی سخن بگوئید، نماز را بر پا دارید و زکات بدهید سپس (با اینکه پیمان و عهد بسته بودید) همه شما جز عده کمی سر پیچی کردید، و از پیمان خود روی

برگردانید» (بقره / ۸۳). اهمیت احترام به پدر و مادر تا بدان حد است که خداوند سپاس و شکرگزاری به آنها را در مرتبه سپاس به نعمتهای الهی دانسته است با توجه به اینکه نعمتهای الهی قابل شمارش نیست. در سوره لقمان فرموده است: «أَنْ اشکر لی و لوالدیک: اینکه مرا و پدر و مادرت را شکر نمائی» (لقمان / ۱۴). از آیات و روایات چنین استفاده می‌شود که کمترین بی‌احترامی در مقابل پدر و مادر معصیت و گناه به حساب می‌آید و اهانت و تحقیر فرزند در مقابل آنان موجب انحراف فرزند از تعالیم دین خواهد شد. اما در خصوص پیوند و رابطه نماز با این مسأله‌ها باید گفت که نماز شخصی که بغض پدر و مادر را در دل داشته باشد اثر بخش نبوده و شرط کمال را ندارد. از پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) منقول است که فرمودند: «لایقبل الله صلاة العاق»: نماز کسی که مورد عاق (نفرین) والدین واقع شده باشد قبول نیست» (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۳ ص ۳۳۲). امام صادق (علیه السلام) نیز فرمودند: «مَنْ نظر الی ابویه نظر مامت وهما ظالمان له لم یقبل الله له صلاة: هرکس با چشم بغض و کینه به پدر و مادر خود که به وی ستم کرده‌اند نگاه کند نمازش در پیشگاه الهی قبول نیست» (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۳ ص ۳۳۲).

در سبک زندگی اسلامی بعد از والدین، «همسر» از حقوق والایی برخوردار است. در توصیه‌های بزرگان دینی سفارش زیادی شده که کمترین ستم نسبت به او مانع بزرگی برای کمال نماز است. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «کسی که همسر خود را آزار دهد نماز و اعمال نیک او پذیرفته نیست نزد خداوند مگر اینکه او را کمک نماید یا او را راضی نماید هر چند در تمام ایام عمر، روزه داشته باشد و نیز شوهر هم دارای همین نوع از عذاب و عقاب است در صورتی که به همسرش ظلم روا بدارد» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۴ ص ۱۱۶). از اصحاب و یاران پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) نقل شده است که حضرت به سه چیز بسیار تأکید داشته و نزدیکان خود را بدان توصیه می‌فرمودند: «الصلاة الصلاة وما ملکت ایمانکم لا تکلّفوهم ما لا یطیقون واتقوا الله فی النساء فانھن عوان فی ایدیکم: نماز، نماز بگزارید و به زیر

دستان به نیکی رفتار کنید و از خدا بترسید در کار زنان که آنان اسیران دست شمایند» (احیاء العلوم، ج ۲ ص ۹۰). به نظر می‌رسد که ارتباط این سه امر در این باشد که نماز واقعی موجب می‌شود نمازگزار از ظلم و تعدی به حقوق دیگران دوری نموده و درجات ایمان و ترس از خدا در قلب او بیشتر گردد و متقابلاً کسی که به خانواده و دیگران ظلم و ستم نماید و در عین حال نماز هم بخواند؛ نمازش هر چند شرط صحت را دارا است ولی قطعاً فاقد شرط کمال است.

همچنین در روایات تأکیدات بسیاری شده که زن هم باید در رضایت شوهر بکوشد. از خاتم پیامبران (صلی الله علیه و آله) روایت است که: «خداوند نماز پنج گروه را نمی‌پذیرد: بندهای که از مولای خود فرار کرده، شراب خوار، ربا خوار، کسی که عاق والدین قرار گیرد و زنی که شوهرش از او راضی نباشد» (نوری، ۱۴۰۷، ج ۱۳ ص ۳۳۲). پس نماز در رعایت موازین شرع و در زندگی خانوادگی و عفو و گذشت در روابط زناشویی نقش مهمی را ایفا می‌کند یعنی آنان که مواظبت بر عبادات و نماز خویش دارند و بدان اهمیت می‌دهند به حفظ موازین شرع مقیدتر و به مقام قرب الهی نزدیکترند. چون از آثار نماز همین است که در میان‌همل خانواده و اجتماع ظاهر گردد و از آنجا به جامعه تسری یابد و آنکه به حفظ نماز توجه و اهمیتی قائل نیست از معاصی و گناهان نسبت به خانواده و جامعه ابایی ندارد.

در کنار حرمت گذاری به حقوق خانواده، احترام به حقوق افراد جامعه نیز برای نمازگزار، حائز اهمیت است؛ چنانکه لباس، مکان و آبی که نمازگزار با آن وضو می‌گیرد، نباید غصبی باشد و مباح بودن آنها نشانه‌ی رعایت حقوق دیگران است، و در صورت ظلم و تجاوز به حقوق دیگران، نماز صحیح نخواهد بود.

این مسایل نشانگر ابعاد اجتماعی نماز در سبک زندگی انسان نمازگزار است، که سبک زندگی او را از زندگی انسان تارک الصلاة متمایز می‌گرداند. وقتی روح تعبد و خدامحوری در سبک زندگی نمازگزار سایه گسترد، در تمامی افعال و رفتارش چه در بعد فردی و چه اجتماعی،

خدا را در نظر می گیرد و از ظلم و تعدی به احدی پرهیز دارد. این بر خلاف سبک زندگی انسانی است که هیچ تقیدی به نماز و دین ندارد و تنها چیزی که در زندگی او ملاک و محور است لذت گرایی و منفعت طلبی فردی است.

۲. بخشندگی

در سبک‌اسلامی، زندگی فردی و اجتماعی و امور مادی و معنوی از یکدیگر جدا نیستند؛ نمازگزار راستین کسی است که هم زمان با تلاش برای بهره مندی کامل از آثار یاد خدا در زندگی و تلاش برای دستیابی به فضائل اخلاقی و ارزشهای ایمانی و اهتمام برای اقامه نماز و تقویت یاد خدا در دل، از مسائل جامعه غافل نیست و در روابط اجتماعی، حقوق انسانی و اخلاقی افراد را نادیده نمی گیرد؛ بر این اساس انفاق و گذشت از مال از شرطهای دستیابی به حقیقت ایمان می باشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «لَا تَمَّ صَلَاةٌ إِلَّا بِزَكَاةٍ». نماز کامل نمی‌شود مگر با پرداخت زکات» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۶ ص ۲۹).

روشن است که نگاه نمازگزار به مسئله انفاق، نگاه یک انسان پایمند و توحیدباور است که همه چیز را از خدا می داند و امکاناتی که در اختیار دارد روزی الهی دانسته و خود را تنها ابزاری برای رساندن آنها به نیازمندان می داند. خداوند در سوره انفال آیات ۲ تا ۴ می فرماید: «مؤمنان تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دل‌هایشان ترسان می گردد و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده می شود، ایمانشان افزونتر می گردد و تنها بر پروردگارش توکل دارند. آنها که نماز را بر پا می دارند و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند. آری مؤمنان حقیقی آنها هستند، برای آنان درجاتی - مهم - نزد پروردگارش است و برای آنها آمرزش و روزی بی نقص و عیب است». بر این اساس، نمازگزار حقیقی کسی است که زندگی اش را به گونه ای تنظیم می کند که پرداختن به یک بخش، او را از بخش های دیگر غافل نکند و اقامه نماز، او را از دستگیری محرومان باز ندارد؛ چرا که فریضه نماز امری نیست که فقط بنده را به خالق و پروردگارش نزدیک سازد و حلقه اتصال بین عبد و معبود را شدت

بخشد و عشق به خدا را در قلب و باطن او زنده سازد، بلکه بعد دیگر نماز در حیات مسلمین، این است که در عین قرب الهی، او را با جامعه انسانی پیوند داده و نسبت به سایر انسانها بلکه تمام هموعانش، یک فرد مسئول بار می‌آورد؛ و این است روح نماز و تعبد به خدا که هرگز نمی‌گذارد فرد در مقابل خلق خدا بی‌تفاوت باشد. از اینرو یکی از مسائل مورد تأکید قرآن کریم این است که پرداختن زکات را تنها نمازگزاران از یاد نمی‌برند. این نکته در ۲۷ آیه از آیات قرآن ذکر شده که در اکثر موارد امر به نماز و زکات در کنار هم این مفهوم را می‌رساند: «واقیموا الصلاه و اتوا الزکاه: و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید» (بقره / ۴۳).

تأکید خداوند در این موضوع، نشان دهنده این نکته است که تمام اجزای دین باهمند و دینداری تبعیض و انتخاب جزئی از آن و ترک مابقی بر نمی‌تابد، این مجموعه با هماهنگی که در بینشان نهفته است، دین است و معنا ندارد افرادی در قسمتی از دین که هیچ‌گونه ضرر مادی و جسمی نداشته باشد، دیندار و متدین شوند ولی در بقیه موارد، کوچکترین اقدامی نکنند: «أنتؤمونون ببعض الکتاب و تکفرون ببعض: پس آیا به بعضی از قسمت های کتاب ایمان می‌آورید و به قسمت دیگر کفر می‌ورزید؟» (بقره/۸۵). نمازگزار واقعی کسی است که به همه آن ایمان دارد و در انجام او امر الهی کوتاهی نمی‌کند.

با این اوصاف می‌توان گفت رابطه با خداوند و رابطه با بندگان او، دو بال پرواز نمازگزار در زندگی است. کسی که از رابطه با خداوند، منهای رابطه با مردم بهره‌گیرد، مرغ یک بال است و نمی‌تواند حرکت کند. چنانکه اگر با مردم رابطه داشته باشد و در برقراری رابطه با خداوند کوتاهی کند، قادر به پرواز و حرکت نخواهد بود؛ کسانی که به دنبال سعادت و رستگاری اند، باید خدمت‌گزار خلق خدا باشند: «واقیموا الصلاه و اتوا الزکاه و ماتقدّموا لانفسکم من خیر تجدوه عند الله: و نماز را به پا دارید و زکات را ادا کنید. هر کار خیری برای خود از پیش فرستید آن را نزد خدا خواهید یافت» (بقره / ۱۱۰). در جای دیگر می‌فرماید: «انسان حریص و کم طاق آفریده شده و هنگامی که بدی به او رسد بی‌تابی می‌کند و هنگامی که خوبی به او

رسد مانع از دیگران می‌شود، مگر نماز گزاران...» (معارج / ۱۹ تا ۲۴). این آیات به دنبال اثبات این مطلب است که «انسان دارای غرایز منفی ایاست و اگر با تعلیمات الهی کنترل نشود، به گمراهی کشیده خواهد شد که یکی از آن‌ها روحیه حرص و آز است. انسان برای تعدیل این خصلت و جلوگیری از طغیان آن، نیاز به تربیت الهی و ارتباط با خدا دارد، در پرتو این ارتباط، به اطمینانی نسبت به آن یگانه می‌رسد و نسبت به رزق، فقط خدا را می‌بیند و مال و دارایی خود را از او می‌داند و با روحیه توکل و تسلیم، از آز و حرص دور می‌شود و در مقابل، آن چه از خدا به او می‌رسد، از کمک به دیگران دریغ نخواهد کرد و آنچه در اختیار اوست به خود اختصاص نمی‌دهد. نمازگزار با این روحیه بخشندگی، قلب و جان خویش را از حرص و بخل و دنیا پرستی می‌شوید و با محرومیت و فقر جامعه نیز مبارزه می‌کند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹، ج ۲۵، ص ۳۲).

۳. وحدت بخشی

سازگاری، الفت، همگامی و همدلی با همکیشان در شئون زندگی، از اصول اجتماعی سبک زندگی اسلامی است که اسلام بدان عنایت ویژه دارد و هرگز رضا نمی‌دهد یکپارچگی و وحدت جامعه اسلامی دچار تزلزل و تفرقه گردد. اتحاد، لازمه حیات است و عقل و شرع بر این ملازمه، اتفاق دارند؛ تفرقه راهی به سوی نابودی است و انسان تک رو، تیشه به ریشه خویش می‌زند و چنین کاری از دیدگاه خدا و خرد محکوم است و مؤمنان و خردمندان، موظف به ایجاد و حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه اند: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا: همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود، به یاد آورید که شما با هم دشمن بودید و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید و خدا شما را از آن نجات داد...» (آل عمران/۱۰۳). فرهنگ نماز بین گروه‌هایی که دارای هویت‌ها و مرزهای

فرهنگی متفاوتی اند، بستری مناسب برای تعامل قرار می دهد و بروز تفاهم بین گروهی را موجب شود و با تکرار منظم مبادلات بین گروهی، تقویت انسجام در کلیت جامعه در برابر انسجام محلی را محقق سازد. بدین گونه نماز از اختلالات اجتماعی جلوگیری کرده و موجب تعمیق وحدت اجتماعی می گردد. هنگامی که مسلمانان روبه سوی یک قبله و با یک نیت و یک زبان و یک هدف، اعمال نماز را به جای می آورند، وحدت کلمه نمازگزاران به گوش جهانیان میرسد و باعث شگفتی و حیرت دشمنان اسلام میشود و این جاست که نماز خار چشم دشمنان می شود.

نتیجه گیری

سبک زندگی انسان نمازگزار، آداب اسلامی و انضباط رفتاری است که تحت آرمان عالی عبودیت قرار دارد و همه شئون زندگی از نماز و عبادت تا کسب و کار، تحصیل، تفریح، معاشرت، بهداشت، خوراک، معماری و هنر، سخن گفتن، تولید و مصرف، آراستگی ظاهری و... را در مسیر بندگی قرار داده و صبغه الهی می بخشد. بدین گونه نماز، به عنوان خلاصه اصول مکتب اسلام و روشنگر راه مسلمانی، که نشان دهنده مسئولیتها، تکلیفها، راهها و نتیجه هاست، یک زنگ بیداری و یک هشدار در ساعات مختلف شبانه روز است و به زندگی انسان، سبک و برنامه می دهد و از او تعهد همه جانبه در همه ابعاد فردی و اجتماعی می خواهد. ابعادی که هر کدام نمونه‌ای از شاخصه های سبک زندگی اسلامی محسوب می شود و متمایز کننده ی زندگی انسان پایبند به نماز از زندگی فرد بی قید است.

منابع

*قرآن مجید.

*نهج البلاغه.

۱. احمدی، بابک (۱۳۷۳)، *مدرنیته و اندیشه های انتقادی*، تهران: نشر مرکز.

۲. انصاری جابری، علی و همکاران(بی تا)، «تأثیر روزه رمضان بر عزت نفس دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی و پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان»، اندیشه و رفتار، ش ۲۵ و ۲۶.
۳. آربلاستر، آنتونی (۱۳۶۷)، *لیبرالیسم غرب، ظهور و سقوط، (عباس مخبر)*، تهران: نشر مرکز، چاپ سوم.
۴. باقرزاده، فضل... و همکاران (۱۳۸۴)، «بررسی اثر برد و باخت و جهت گیری هدفی بر میزان عزت نفس در فوتبالیست های لیگ کشور»، حرکت، ش ۲۳.
۵. براندن، ناتانیل (۱۳۸۵)، *روان شناسی عزت نفس*، ترجمه: مهدی قراچه داغی، تهران: نخستین، چاپ پنجم.
۶. بیات، عبدالرسول و دیگران (۱۳۸۱)، *فرهنگ واژه ها، قم: موسسه اندیشه و فرهنگ دینی*.
۷. _____ (۱۳۸۲)، *واژه شناسی اومانسیم*، رواق اندیشه، ش ۲۶.
۸. تشکری، زهرا (۱۳۸۱)، *زن در نگاه روشنفکران*، قم: طه.
۹. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳)، *نظریه های جامعه شناسی*، تهران: سمت، چاپ چهارم.
۱۰. توپسرکانی، محمد تقی (۱۳۶۲)، *فرهنگ جعفری*، تهران: مرکز نشر جهاد دانشگاهی.
۱۱. جعفری، محمد تقی، (۱۴۰۸)، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، قم: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت
۱۲. _____ (۱۳۵۹)، *فلسفه و هدف زندگی*، تهران: انتشارات صدر.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، *اخلاق در قرآن*، قم: اسراء، چاپ سوم.
۱۴. _____ (۱۳۷۲)، *شریعت در آینه معرفت*، قم: موسسه فرهنگی رجاء.
۱۵. جوان بخت، مریم و همکاران (۱۳۸۸)، «بررسی تأثیر روزه داری در ماه رمضان بر عزت نفس و سلامت روانی دانشجویان»، *اصول بهداشت روانی*، ش ۴۴.

۱۶. چاوشیان، حسن (۱۳۸۲). «سبک زندگی و هویت اجتماعی، مصرف و انتخاب های ذوقی به عنوان شالوده تمایز و تشابه اجتماعی در دوره اخیر مدرنیته»، پایان نامه دکترای جامعه شناسی، دانشگاه تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
۱۷. حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۳)، وسائل الشیعه، بیروت: دارالاحیاء تراث العربی.
۱۸. خادمیان، طلیعه (۱۳۸۷)، «سبک زندگی و مصرف فرهنگی؛ مطالعه ای در حوزه جامعه شناسی فرهنگی و دیباچه ای بر سبک زندگی فرهنگی ایرانیان»، تهران: نشر جهان کتاب.
۱۹. خمینی، روح الله (۱۳۷۷)، آداب الصلاه، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۰. _____ (۱۳۷۸)، صحیفه نور، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۱. راغب اصفهانی (۱۴۱۲)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدفان داودی، دمشق: دارالقلم.
۲۲. رضوی زاده، نورالدین (۱۳۸۶)، بررسی تاثیر مصرف رسانه ها بر سبک زندگی ساکنان تهران، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت ارشاد اسلامی.
۲۳. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۴)، نقد ادبی، تهران: امیرکبیر.
۲۴. شرفی، محمد رضا (۱۳۸۰)، مبانی و آثار روانشناختی نماز، نشریه تربیت، شماره ۲.
۲۵. صانعی، منوچهر (۱۳۷۶)، فلسفه دکارت، تهران: انتشارات الهدی.
۲۶. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۲)، المیزان، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ پنجم.
۲۷. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۳۳)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، لبنان: صیدا مطبعه العرفان.
۲۸. عزیزی، عباس (۱۳۷۵)، جامع آیات و احادیث موضوعی نماز، تهران: انتشارات نبوغ.
۲۹. غزالی، محمد (۱۳۸۳)، کیمیای سعادت، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
۳۰. فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، مصرف و سبک زندگی، قم: انتشارات صبح صادق.

۳۱. فرانزوی، استفن ال (۱۳۸۱)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، منصور قنادان، تهران: رسا.
۳۲. قرائتی، محسن (۱۳۷۸)، پرتویی از اسرار نماز، تهران: ستاد اقامه نماز.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۳)، اصول کافی، (محمد باقر کوه‌کمره‌ای)، تهران: اسوه، چاپ دوم.
۳۴. _____ (۱۴۰۶)، فروع کافی، بیروت: دار صعب.
۳۵. گروه مؤلفان (۱۳۸۵)، فرهنگ و تاریخ اندیشه، گروه مترجمان، تهران: سعادت.
۳۶. گنج، نیت ال، برلاینر، دیوید سی (۱۳۷۴)، روان‌شناسی تربیتی، ترجمه: غلامرضا خوی‌نژاد، چ دوم، تهران: انتشارات حکیم فردوسی.
۳۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۳۸. محجوب، محمدجعفر (۱۳۷۶)، سبک خراسانی در شعر فارسی، تهران: دانشسرای عالی.
۳۹. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۰)، آموزش عقاید، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ هفتم.
۴۰. _____ (۱۳۷۶)، اخلاق در قرآن، قم: انتشارات اسلامی.
۴۱. _____ (۱۳۷۹)، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۴۲. _____ (۱۳۶۸)، معارف قرآن خدا شناسی - کیهان شناسی - انسان شناسی، قم: مؤسسه در راه حق.
۴۳. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، طهارت روح، تهران: ستاد مرکزی اقامه نماز.
۴۵. _____ (۱۳۷۵)، مجموعه آثار (فلسفه تاریخ)، تهران: صدرا.

۴۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب (علیه السلام).

۴۷. _____ (۱۳۶۹)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم.

۴۸. ملکی تبریزی، جواد (۱۳۷۲)، اسرار الصلوه، تهران: آزادی .

۴۹. مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۷)، دین و سبک زندگی، تهران: دانشگاه امام صادق ع-.

۵۰. نصری، عبدالله (۱۳۷۱)، سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ سوم.

۵۱. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۷)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت.

۵۲. یان‌دیس، هری س تری (۱۳۷۸)، فرهنگ و رفتار اجتماعی، ترجمه نصرت فتی، تهران: رسانش.

